

(عليه السلام) شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق غریزه جنسی (۲)

تاریخ ۱۳۹۳ / ۱۰ / ۲۱

■ مهم‌ترین راه‌های کنترل غریزه جنسی

۱. حفاظت از نگاه‌های حرام

۲. فراوانی یاد مرگ

۳. خوف از خداوند

■ راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایدهش

■ ازدواج، یگانه راه ارضای غریزه جنسی

■ عفت، هم برای متاهلان است و هم مجردان

حلال نیست». امام فرمودند: و اما حقّ غریزه‌ی جنسی این است که او را از آنچه که برایش حلال نیست، حفظ کنی. عمده‌ی مطلبی که در متن رساله‌ی حقوق درباره‌ی این حقّ بسیار مهم مطرح شده، مسئله‌ی حفاظت است. «وَ الْإِسْتِعَانَةُ عَلَيْهِ بِغَضِّ الْبَصْرِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْوَانِ الْأَعْوَانِ؛ و کمک و تقویت آن نگهداشت، با چشم پوشی (از نامحرم)؛ زیرا (چشم فرو بستن) مددکارترین یاوران (در جلوگیری از شهوت) است». امام سجّاد (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) بلافاصله بعد از اینکه می‌فرماید: «فَحِفْظُهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ»، این غریزه را که امانت و نعمت پروردگار متعال است، از آنچه که برایش حلال نیست، یعنی انواع و اقسام انحرافات جنسی، حفظ کنید. امام (عَلَيْهِ السَّلَام) سریعاً نسخه‌ای ارائه می‌دهند: «وَ الْإِسْتِعَانَةُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِ

■ مهم‌ترین راه‌های کنترل غریزه جنسی

۱. حفاظت از نگاه‌های حرام

بعد از بیان حقوق مختلف اعضاء، به حقّ غریزه‌ی جنسی از رساله‌ی حقوق امام سجّاد (عَلَيْهِ السَّلَام) رسیدیم. دو نکته‌ی را عرض کردیم، حفظ از حرام که حقّ اول است و سه نکته را ذیلش بیان کردیم: اول، انسان به کمک نیاز دارد که فرو پوشیدن چشم، در این زمینه مهم‌ترین کمک است. دوم، فراوانی یاد مرگ؛ سوم، نفس خود را در برابر پروردگار تهدید کردن و از خدا کمک گرفتن.

«وَ أَمَّا حَقُّ فَرْجِكَ فَحِفْظُهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ؛ و اما حق عورتت، نگهداری آن است از آنچه بر تو

عَلِيَّهِ»، برای اینکه بتوانی این امانت بزرگ را حفظ کنی، در درجه‌ی اوّل باید چشمت را مراقبت کنی، این حرف اصلی و نکته‌ی کلیدی است؛ چون امام (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: «فَإِنَّهُ مِنْ أَعْوَانِ الْأَعْوَانِ»، کمک‌های زیادی می‌شود معرفی کرد برای اینکه شخص بتواند در جریان حفاظت از غریزه و آفت‌ها، موفق شود؛ همان چیزی که از آن در این زمینه به عفت تعبیر می‌شود. اما امام (عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ السَّلَام) از بین آن فهرست موردی را که انتخاب کرده است، به عنوان مهم‌ترین کمک معرفی می‌کند که عبارت است از: «وَ الْأِسْتِعَانَةُ عَلَيَّهِ بَعْضُ الْبَصَرِ»، فرمودند: شما با چشم‌پوشی از صحنه‌ها، دیدارها، نوشتارها و تصویرهای تحریک‌کننده چشمتان را مراقبت کنید. این بزرگ‌ترین کمک است برای کسی که بتواند جلوی بی‌مهاری شدن این غریزه و از دست رفتنش را بگیرد و کنترل کند. در هر مرحله‌ای، هم درمان است و هم جنبه‌ی پیشگیری دارد و در مرحله‌ی بهداشت جنسی، فوق‌العاده مؤثر است و اگر کسی خدایی نخواست در این زمینه گرفتار بیماری شده باشد، این نسخه می‌تواند بهترین کمک در بازیافت سلامت جنسی باشد و اگر کسی چشمش را مراقبت نکرد، به حرام گرفتار خواهد شد.

غریزه‌ی جنسی یک غریزه‌ی عادی نیست و قدرت فوق‌العاده‌ای دارد. اگر مهار نشود، بدون استثنا، پیر، جوان، زن و مرد و همه را در برمی‌گیرد. البته معمولاً در مباحث مرتبط با غریزه، وقتی پای جوانی در میان باشد، کنترل، مراقبت و مدیریت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

«وَ كَثْرَةَ ذِكْرِ الْمَوْتِ؛ و (با) بسیار یاد کردن از مرگ»، این هم غایب بزرگ زندگی امروز ما، مخصوصاً در کلان شهرها و محیط‌های بزرگ است. این قدر مظاهر دنیا پر رنگ و پر جلوه است که فرصت اندیشیدن درباره‌ی سفر مهمی را که پیش رو داریم، از ما گرفته است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان مؤمن این سفر است. غایب بزرگ امروز دل‌ها، اندیشه‌ها، ذهن و محیط خانوادگی و شهری ما مسئله‌ی مرگ است؛ واقعی‌تی که همه بدون استثنا با آن مواجه می‌شویم. ما جانشین و خلیفه‌ی کسانی هستیم که همه رفته‌اند. این معنای روشنی دارد. روزی هم دیگران جانشین ما هستند. این گردش با سرعت انجام می‌شود. برای کسی که در این بخش در معرض آسیب‌ها و آفت‌ها است و

ما اگر در متن جریان زندگی با خیلی از این مناسبات، روابط اجتماعی، روابط بی‌مبالات، بی‌مرز، معاشرت‌های خارج از اندازه، دیدارهای تحریک‌کننده‌ی بدون حساب و کتاب مواجه شویم، خودمان را در معرض این دیدارها قرار دهیم، این تصاویر خودآگاه و ناخودآگاه ما، ظاهر و باطن و لایه‌های گوناگون روان ما را در برمی‌گیرد و برای این غریزه جنبه‌ی بیدارکنندگی و فعال‌کنندگی دارد. آن وقت توقع داریم که به صورت غیبی و بر اثر عوامل ماورائی و ... حفاظت شویم؛ این توقع توقع بیجایی است.

۲. فراوانی یاد مرگ

اما نکته‌ی دومی که امام (علیه‌الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در این نسخه مطرح فرمودند عبارت است از:

می‌شوند. از عقوبت خدای متعال بترسیم که از رهگذر بی‌پروایی در این عرصه به سر ما می‌آید. «وَ التَّخْوِيفِ لَهَا بِهِ؛ و تهدید نمودن خود از (عذاب) خداوند»، اینکه انسان واقعاً خودش و نفسش را در این زمینه بترساند. احساس حضور خداوند یکی از مهم‌ترین نجات‌دهنده‌ها است؛ مخصوصاً در خلوت‌ها که انسان زمینه‌ی ابتلا به این بیماری‌ها برایش بیشتر فراهم می‌شود.

■ راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایدش

در پایان فرمودند: «وَ بِاللَّهِ الْعِصْمَةُ وَ التَّأْيِيدُ؛ و عصمت و پاکدامنی و تأیید از خدا است». اگر کسی می‌خواهد در این زمینه صیانت پیدا کند و حفظ شود، باید از خدای متعال کمک بخواهد و

به مراقبت، مدیریت و کنترل غریزه نیاز دارد، یکی از مهم‌ترین عوامل یاد خدا است؛ متنها حضرت فرمودند: «وَ ذِكْرِ الْمَوْتِ»، فرمودند: «وَ كَثْرَةَ ذِكْرِ الْمَوْتِ»، فراوان یاد مرگ کردن.

۳. خوف از خداوند

نکته‌ی سوم عبارت است از اینکه انسان واقعاً خودش را در ارتکاب گناهانی از این دست، در محضر پروردگار متعال بترساند، این خوف مقدس، خوف از خدای متعال، خوف اینکه از چشم خدا بیفتیم، از رحمت خدا محروم شویم، از اینکه به انواع و اقسام عقوبت‌هایی دچار شویم که در همین دنیا به سراغ کسانی می‌آید که گرفتار بی‌بند و باری و بی‌عفتی و بی‌حیایی می‌شوند و به رسوایی‌ها، بیماری‌های جسمی و روانی دچار

صحنه‌هایی که ما با شرایط نفسانی مواجه هستیم - و البته در همه‌ی بخش‌های زندگی - باید از خدای متعال مدد بگیریم. امام (عَلَيْهِ السَّلَام) ضمن اینکه مضمون و مفهوم عالی توحیدی این ذکر شریف را به ما یادآوری می‌کنند، در عین حال این ذکر را هم نزد ما برای این لحظات سخت به امانت می‌گذارند که اگر کسی با آن شرایط مواجه شد و نیاز به کمک داشت، زبانش مترنم به این ذکر مقدّس شود و بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». البته در این متن نورانی «الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» را ندارد و در بعضی موارد این طور آمده است: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، و اگر آن کلمه را هم نخواهند بگویند، همین ذکر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» مهارکننده نفس چموش است.

این کمک‌خواهی، تضرّع به درگاه پروردگار متعال، داشتن ارتباط فعال با خداوند، زندگی و تمرین زندگی در حضور پروردگار، یکی از عالی‌ترین نجات‌دهنده‌ها و حفاظت‌ها است. خدا کسی را که از او کمک بخواهد، یاری می‌کند. در پایان هم فرمودند: «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ هیچ جنبش و نیرویی نیست مگر به خدا». این جمله هم یک رمز است برای همه‌ی ما که لحظه به لحظه باید به ضعف خودمان توجه کنیم و از خدای توانا و از قدرت الهی در شرایط گوناگونی که در آن قرار می‌گیریم، کمک بگیریم؛ مخصوصاً آنجایی که پای آفت‌های خطرناکی در میان است و ما به قوّت روحانی، عزم بالا، شخصیت استوار نیاز داریم. ذکر شریف: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، به این معنا است که در همه‌ی

هر کسی در عالی‌ترین سطوح از مراقبت‌ها و پیشگیری‌ها، باز هم در معرض خطر است. آن کسی که نجات‌دهنده است، فقط خداوند متعال است. همه‌ی مراقبت‌ها را هم که انجام بدهیم، چشم‌مان هم مراقبت کنیم، یاد مرگ هم باشیم، ده‌ها نوع مراقبت‌های تکمیلی را در خوراک، رفت و آمد، معاشرت، دوستی‌ها، شنیدن‌ها، دیدن‌ها و گفتن‌ها رعایت کنیم، باز هم باید بدانیم در برابر این سیل ویرانگر و خطرناک، آن‌که نجات‌دهنده است، خداوند است. اگر کسی به حُول و قوّه‌ی خودش اعتماد کند، زمین‌گیر خواهد شد. اگر کسی بخواهد صرفاً به توانایی، مراقبت‌ها و تدبیرهای خودش اعتماد کند زمین می‌خورد.

البته قصّه‌ی شهدا فرق می‌کند. از منظر کثرت یاد مرگ، باید سراغ مرده‌ها برویم؛ امّا شهدا زنده هستند، زیارت آنها، زیارت زنده‌ها است. از آنها می‌شود نیرو، مدد، کمک و روحیه گرفت. قرآن کریم در مورد شهدا می‌فرماید: «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند»، اینها امدادرسان و کمک‌کننده‌های خیلی خوبی هستند. ولی برای عبرت از مرگ

امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: «برای یاد مرگ به

آن وقت سراغ سؤالات دیگر برویم. با توجه به وضعیت محیطی امروزه اهمیت پرداختن به بحث غریزه‌ی جنسی و راهنمایی شدن و راهنمایی کردن بیشتر از هر زمان دیگری لازم است. غریزه‌ی جنسی بسیار حیاتی، پیچیده و بسیار مقتدر و قوی ساخته شده و خالق حکیم قدیر در وجود انسان، آن را تعبیه کرده است. حکمت اصلی به وجود آمدن این غریزه عبارت است از پشتیبانی از تأسیس، تحکیم، طراوت‌بخشی و حفاظت از یکی از مقدس‌ترین بناهای زندگی انسان، یعنی خانواده؛ لذا از این جهت یک غریزه‌ی مقدس است که در جهت درست، از خانواده پشتیبانی می‌کند. چون تأسیس و تشکیل خانواده و ازدواج، تعهدهایی حقوقی و اخلاقی دارد و مسئولیتهایی را همراه خود دارد، مخصوصاً آنچه به فرزندآوری

باید به گورستان رفت و همانجایی است که باید رفت و نقطه‌ی آغاز ورود ما به عالم پر رمز و راز برزخ محسوب می‌شود.

■ ازدواج، یگانه راه ارضای غریزه جنسی

بعضی از افراد که سؤالاتی را در مورد غریزه‌ی جنسی مطرح می‌کنند و درخواست راهنمایی فوری می‌خواهند، راهنمایی، خیلی روشن است. گاهی ما نمی‌خواهیم عمل کنیم، مجدداً سؤال می‌کنیم، یا توقع داریم یک چیز نامتعارفی گفته شود؛ اگر کسی بخواهد عمل کند، امام (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) برای مهار، مدیریت و حفاظت این غریزه‌ی بسیار مقتدر و قوی در وجود انسان‌ها، یک نسخه‌ی حقیقتاً شفابخش را کرامت کردند، تا عمل کنیم. اگر موفق نشدیم

و تربیت فرزند مربوط می‌شود. به تعبیر یکی از حکمای بزرگِ عزیزِ معاصر، این غریزه در واقع پاداش خدای متعال است برای کسی که خود را در معرض قبول مسئولیت خانواده قرار می‌دهد. البته این اجر، ازدواج است که به طرفین داده

می‌شود که زیربار مسئولیت ازدواج می‌آیند و به دنبال هوس‌رانی نیستند. مسیر اسلام هم فقط همین است. به عبارت دیگر، ارضای غریزه جنسی به ازدواج منحصر شده است. متأسفانه در بعضی از جوامع بی‌پروایی‌هایی رواج پیدا کرده است و یک فهرست چندگانه ذیل این سؤال - که شما مجرد یا متأهل هستید؟ - قرار می‌گیرد! **Homosexual** ، هم‌جنس‌گرایی و مواردی از این قبیل، در جوامع امروزی همسنگ ازدواج قرار گرفته است. عفاف و پرده‌داری در بعضی

از جوامع چنان برداشته شده که بعضی از تبعاتش در شبکه‌های اجتماعی، ماهواره‌ها و سایت‌های مستهجن نمود پیدا کرده است. سوگمندانه برخی از ما نیز با دست خودمان اینها را در خانواده‌مان پنخس می‌کنیم.

یکی از دوستان عزیز من که اخیراً از یک سفر علمی برگشته بود، می‌گفت که هفته‌ی گذشته به مناسبت بحثی خردمندان دنیا اجلاس گذاشتند و از ادیان مختلف جمع شدند. همه متحیر و نگران بودند که چه کار باید کرد؟ وقتی این سؤال مطرح می‌شود، حکایت از این است که آنهایی که دغدغه دارند و حساس هستند، فهمیده‌اند تنها مسیر بازگشایی غریزه‌ی جنسی، ازدواج است. مرحله‌ی بعدی فقط حفاظت فعال، کنترل و مدیریت است که از آن به عفت تعبیر

می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ»^۲ و کسانی که دامن خود را حفظ می‌کنند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. بلافاصله می‌فرماید: «فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»^۳ پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد درگذرندگانند. زیست مؤمنانه و سعادت‌مندانه که خوشبختی را تأمین می‌کند، عبارت است از: در کمال عفت زندگی کردن و غریزه‌ی جنسی را حفاظت کردن. تنها در یک مورد امکان رهاسازی و آزادسازی وجود دارد: «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ»، که همان مسئله‌ی ازدواج است که در آن تعهدات اخلاقی و حقوقی وجود دارد. ازدواج رابطه‌ای

است که پشتوانه‌ی بقاء نسل، تفریح سالم، طراوت و نشاط خانوادگی است.

البته آیه‌ی «مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ»، به زمان ما ربطی ندارد. این مسئله با زمان نزول قرآن کریم مرتبط است که غلامان و کنیزان وجود داشتند و یک محور ارتباطی دیگری هم برایش تعریف شده بود که قواعد خاص خود را داشته است. «فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ»، در اینجا نه خودشان باید خودشان را در رهاسازی غریزه ملامت کنند و نه کسی آنها را ملامت می‌کند؛ چراکه اینجا میدان راهگشایی برای غریزه جنسی است. بلافاصله می‌فرماید: «فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ»، تأکید است و راه را منحصر کرده است. اگر کسی در ارتباط با غریزه‌ی جنسی، به سوی هر راه دیگری برود، دچار انحراف جنسی شده است. اگر بنا شود

این آیه کریمه از نظر سبک بیان و تأییدها تحریر شود، انواع و اقسام تأکیدها در آن آمده است که نشان می‌دهد هر نوع رهاسازی غریزه - از هر شکل دیگری غیر از مسیر پسندیده‌ی الهی که ازدواج است - خروج از خط بندگی و تجاوز از حریم الهی است. چنین افرادی از قاعده‌ی خوشبختی و سعادت خروج کرده‌اند.

■ عفت، هم برای متأهلان است و هم مجردان

جالب است که این آیه دو جا در قرآن کریم آمده است. البتّه قبلاً با هم کمی فرق می‌کند؛ ولی عیناً این آیه‌ی کریمه در نصّ کلام الهی تکرار شده است که مسئله‌ی زیست مؤمنانه در ارتباط با حیات جنسی و زندگی در این بخش، فقط ازدواج است؛ و در غیر این مورد،

باید عفت، مراقبت و کنترل صورت پذیرد. البتّه یک نکته‌ی تکمیلی در مورد عفت وجود دارد که عفت تنها شامل افراد مجرد نیست؛ بلکه افراد متأهل را هم در بر می‌گیرد. بعضی از افراد که اتفاقاً از جامعه‌ی متأهلین ما هستند دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی را در این زمینه مطرح می‌کنند. وقتی حرف از عفت به میان می‌آید، حیا و عفت برای همه است. اتفاقاً کسی که متأهل می‌شود، در محور غریزه به امنیت خاطر، آسایش و صیانت طبیعی می‌رسد. آنهایی که متأهل هستند، اتفاقاً مراقبت‌های پیرامونی‌شان بیشتر است. قرآن کریم می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛» آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید». شما وقتی ازدواج کردید و از این لباس بهره‌مند شدید و حریم خصوصی

در دید و شنیده‌ها، مراقبت کند. این مراقبت یک مرحله‌ی مسئولیت جدید هم دارد؛ زیرا شخص با یک فرد دیگر پیمان و تعهد دارد



و رابطه‌ی صمیمی دارید، همانند این است که لباس بسیار زیبایی را بر تن کرده‌اید. بدین گونه که مرد و همسرش برای یکدیگر مانند لباس هستند؛ لباس حفاظت و صیانت صمیمیت؛ چون لباس به شما نزدیک و پوشش شما است، عیب‌پوشی و تولید امنیت خاطر می‌کند. هنگامی انسان لباس می‌پوشد، احساس امنیتی در او شکل می‌گیرد، سکونت و آرامشی همراه او هست. همسر انسان زینت انسان نیز هست؛ چون لباس جنبه‌ی زینت هم دارد. تعابیر قرآنی فوق‌العاده است، فرمود: شما لباس همدیگر هستند. اتفاقاً کسی که متأهل شد، برای صیانت از آن ارتباط خصوصی که خدای متعال برایش حلال کرده و امکانش را برایش فراهم کرده است، باید در معاشرت‌های بیرونی، در منظره‌ها،

■ منابع و مآخذ:

۱. آل عمران: ۱۶۹.
۲. مؤمنون: ۶.
۳. همان: ۷.
۴. بقره: ۱۸۷.



افوفا؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت
OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اثنیه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

